

در میزگرد تخصصی «بررسی عوامل مهم تخریب جنگل‌های کشور» مطرح شد نگاهی به گذشته مدیریت جنگل‌ها و راهبردهای پیشنهادی برای مدیریت بهینه آن

جنگل‌های

کشورمان به‌عنوان اکوسیستم‌های غنی و باارزش دارای کارکردهای مختلفی هستند. با توجه به اینکه این ذخایر اکولوژیک از دیرباز با چالش‌های متعددی از قبیل حضور دام‌مازاد، بهره‌برداری‌های بی‌رویه، تغییر کاربری اراضی، مسائل مربوط به جنگل‌نشینان، برداشت چوب برای تهیه سوخت و غیره، مواجه بوده‌اند موضوع گفت‌وگوی چالشی این شماره از نشریه طبیعت ایران به «بررسی عوامل مهم تخریب جنگل‌های کشور، برنامه‌های موفق و ناموفق و راهکارهای پیشنهادی برای مدیریت بهینه جنگل‌ها» اختصاص یافته است. در این گفت‌وگوی مفصل آقایان مهندس محمدعلی فتوکیان، مهندس کاظم نصرتی و دکتر علی‌اوسط منتظری، معاونان وقت امور جنگل سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در ادوار گذشته حضور داشتند. مشروح این گفت‌وگو پیش روی شماست.

طبیعت ایران: بررسی‌های میدانی و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که متأسفانه جنگل‌های کشور از نظر کمی و کیفی وضعیت خوبی ندارند. نشریه «طبیعت ایران» با دعوت از صاحب‌نظران، وضعیت جنگل‌های کشور و برنامه‌های اجرا شده در گذشته را مورد بررسی قرار داده تا با تجارب مدیران قبلی بتوان به راهکار مناسبی برای مدیریت بهینه جنگل‌های کشور دست یافت. با توجه به اینکه هر کدام از شرکت‌کنندگان در بحث در مقطعی مسئول اداره جنگل بوده و در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور مسئولیت داشته‌اید، ضمن معرفی خود، در مورد برنامه‌های موفق و احیاناً ناموفقی که در دوران مسئولیت خود اجرا کرده‌اید، توضیحاتی ارائه دهید.

مهندس فتوکیان: ابتدا از بانیان این برنامه (مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع



دکتر علی‌اوسط منتظری



مهندس کاظم نصرتی



مهندس محمدعلی فتوکیان



دکتر خسرو نایب‌طالبی

کشور) تشکر می‌کنم. این جانب متولد سال ۱۳۲۰ هستم و در سال ۱۳۴۷ در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور استخدام شدم. مسئولیت‌هایی که قبل از انقلاب داشتم به ترتیب سرچنگلبان مرکزی اداره منابع طبیعی شهرستان بجنورد، معاون و سرپرست اداره منابع طبیعی (سال ۱۳۴۷ تا ۴۸)، کمک‌کارشناس جنگل در اداره کل منابع طبیعی آذربایجان شرقی، رئیس اداره بهره‌برداری و رئیس اداره واگذاری و ممیزی اراضی (۱۳۵۲ تا ۵۵) بود. بعد از انقلاب هم غیر از پست‌های کارشناسی، مسئولیت‌های مدیریتی‌ام عبارت بودند از: مدیرکل منابع طبیعی استان گیلان (سال ۱۳۶۰ تا ۶۲)، مدیرکل دفتر فنی جنگل‌کاری و پارک‌ها (۱۳۶۲ تا ۶۶)، مدیرکل دفتر فنی جنگلداری سازمان (۱۳۶۶ تا ۶۷)، معاون اجرایی سازمان (۱۳۶۷ تا ۷۳)، عضو شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری (۱۳۷۳ تا ۷۶) و رئیس شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری (۱۳۷۶ تا ۷۷).

در این مدت، گاه کم‌وکاستی‌هایی در نحوه سیاست‌گذاری، طراحی و برنامه‌ریزی مشاهده می‌شد، اما هم‌زمان فعالیت‌های برجسته و مؤثری نیز در تهیه طرح‌های جنگلداری، جنگل‌کاری و شیوه‌ها و راهکارهایی در اجرای طرح‌های جنگلداری، خروج دام از جنگل، ایجاد تعاونی‌های جنگل‌نشین و توسعه جنگل از طریق جنگل‌کاری با گونه‌های سریع‌الرشد، انجام شد. به‌ویژه در دوره‌ای که عهده‌دار معاونت اجرایی سازمان بودم، شروع بعضی از این فعالیت‌ها در سال ۱۳۶۰ که عهده‌دار پست مدیریت کل منابع طبیعی استان گیلان بودم رقم خورد؛ آن هم در ملاقات حضوری که برای معارفه خدمت شهید والامقام جناب مهندس انصاری، استاندار محترم گیلان رسیدم. در جلسه‌ای که همان روز معارفه با ایشان داشتم از فرصت استفاده کرده با ارائه چند پیشنهاد که شاخص‌ترین آنها حفاظت و احیای جنگل‌های جلگه‌ای و مخروطه از طریق ایجاد تعاونی‌های جنگل‌نشین، خروج دام از جنگل‌ها و جنگل‌کاری با گونه‌های سریع‌الرشد بود، موافقت ایشان را جلب کردم و برای پیگیری و تأمین اعتبار فرمودند که به صورت کتبی موارد را در همان جلسه اعلام کنم و قول همه گونه مساعدت را دادند که متأسفانه پس از گذشت یک هفته ترور شده و به شهادت رسیدند.

البته بعداً این برنامه‌ها تحقق یافت و دو شرکت تعاونی جنگل‌نشین به نام‌های امامزاده ابراهیم (ع) و امیرالمؤمنین (ع) در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ تشکیل شد. همچنین در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۶۱ بیشترین جنگل‌کاری در عرصه جنگل‌های مخروطه استان گیلان در سطح ۳۵۰ هکتار به اجرا درآمد ولی تخریب جنگل از طریق چرای دام و تجاوز و تخریب از سوی جنگل‌نشینان همچنان ادامه داشت و به علت نداشتن امکانات و تجهیزات لازم در امر حفاظت جنگل، بعضاً اجرای طرح‌های احیا و توسعه جنگل، چندان توفیقی نداشت. ناگفته نماند که در رژیم گذشته در مقاطعی برای حفاظت جنگل، از گارد مسلح استفاده می‌شد که با تجهیزات و نیروی کافی از قاچاق چوب و هرگونه تجاوز به جنگل مقابله کرده و برخورد شدیدی داشتند. این جانب در سه سفر مأموریتی که با هیئت کارشناسی به کشور ترکیه داشتم در یکی از مأموریت‌ها در سال ۱۳۶۱ حین بازدیدها و مذاکرات با مسئولان و کارشناسان بخش جنگل، اظهار کردند که برای

حفاظت از جنگل ۱۳ هزار و ۲۰۰ نفر نیروی مسلح مجهز به بی‌سیم دارند و برای اطفای حریق در جنگل نیز مجهز به اسکاادران هوایی (هوایما و هلیکوپتر) بودند. سیستم پیشرفته برج‌های دیده‌بانی هم برای کشف حریق در تمام جنگل‌ها مستقر بود. همچنین برای احیای جنگل‌ها و جنگل‌کاری با گونه‌های سریع‌الرشد انواع صنوبر و کاج به‌ویژه کاج بروسیا، برنامه ۲۵ ساله داشتند و هر سال به‌طور متوسط ۲۵۰ هزار هکتار برای اجرا، برنامه‌ریزی کرده بودند. آنها در جنگل، مشکل چرای دام نداشتند چون به این نتیجه رسیده بودند که دام و دامداری در جنگل، عامل مخربی بوده و مانع تجدید حیات جنگل است. در مورد برنامه‌های موفق و ناموفق گذشته که سؤال شد باید بگویم که فعالیت‌ها و برنامه‌های اجراشده در دوره تصدی بنده شامل سه قسمت به شرح زیر است:

الف - فعالیت‌های انجام‌شده در اداره کل منابع طبیعی استان گیلان:

۱- جنگل‌کاری در سطح ۳۵۰ هکتار از جنگل‌های مخروطه استان.

۲- افزایش تولید نهال در نهالستان‌های استان در جهت توسعه جنگل‌کاری و انتقال نهال‌های مازاد به ادارات کل استان‌های مجاور.

۳- مبارزه با قاچاق چوب از طریق برقراری کشیک‌های شبانه و کنترل پاسگاه‌های بازرسی.

۴- اطفای به موقع آتش‌سوزی جنگل‌ها از طریق تشکیل ستادهای مستقر در ادارات منابع طبیعی شهرستان‌ها و فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی توسط مردم.

ب- فعالیت‌های انجام‌شده در مدیریت دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها:

۱- مکانیزه کردن و اصلاح نهالستان‌های کشور.

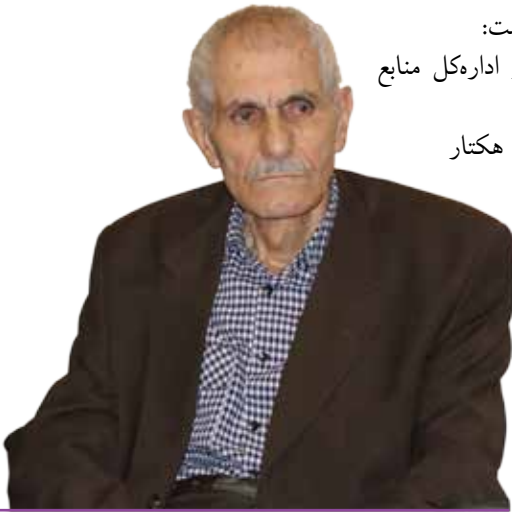
۲- تهیه طرح‌های جنگل‌کاری در شمال و خارج از شمال کشور به منظور تولید چوب با گونه‌های سریع‌الرشد.

۳- تهیه طرح‌های چندمنظوره با انواع گونه‌های مشمر نظیر زیتون، بادام و غیره، در راستای اجرای طرح طوبی توسط مردم در کل کشور.

۴- افزایش سطح جنگل‌کاری سالانه به میزان بیش از ۱۵۰ هزار هکتار در سطح کشور.

ج- اهم فعالیت‌های انجام‌شده در معاونت اجرایی سازمان (۱۳۶۷ تا ۷۳):

۱- در اجرای ماده ۲ و ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل،





بعد از انقلاب اسلامی به مجریان واجد صلاحیت که دارای شرکت‌های تخصصی مجهز به امکانات بهره‌برداری و سرمایه لازم باشند و شرکت آنها مورد تأیید کمیسیون سه نفره قرار گرفته باشد از طریق مزایده و آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار واگذار می‌شود. قبل از انقلاب اشخاص حقیقی نیز می‌توانستند در آگهی مزایده شرکت کنند. اگر این



بهره‌برداری نسبت به مجریان بخش خصوصی فعال‌تر عمل کرده‌اند و حتی تجدید حیات بعضی از گونه‌ها که قبلاً از عرصه حذف شده و از بین رفته بودند، مشاهده شد.

۳- در طول دوره معاونت این‌جانب، به‌طور متوسط سالانه ۱۵۰ هزار هکتار در سطح کشور جنگل‌کاری و زراعت چوب با گونه‌های سریع‌الرشد و گونه‌های مثمر به‌اجرا درآمد که مشارکت مردمی در اجرای این طرح‌ها نقش اساسی داشته است.

۴- در ساماندهی خروج دام و تجمیع روستاهای جنگل‌نشین زیر ۲۰ خانوار توفیقاتی وجود داشته ولی رضایت‌بخش نبوده است.

طبیعت ایران: آقای مهندس نصرتی، جناب‌عالی ضمن معرفی خود بفرمایید در چه مقطعی مسئولیت داشتید و چه برنامه‌هایی در دوران کاری شما اجرا شد؟

مهندس نصرتی: بنده در سال ۱۳۳۱ در یکی از روستاهای اطراف شهرستان تفت در استان یزد متولد شده‌ام. بعد از دیپلم به خدمت سربازی اعزام شدم و پس از خدمت برای ادامه تحصیل در دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی ساری در رشته جنگل و مرتع پذیرفته شدم. البته در سال‌های بعد در دانشکده منابع طبیعی کرج (به‌صورت غیررسمی) و سپس در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته جنگل‌داری شدم؛ ولی از سال دوم دانشکده علاوه بر تحصیل، کار اداری را در بهداری ساری شروع کردم و پس از فارغ‌التحصیلی به‌عنوان کارشناس جنگل در شرکت صنایع چوب فریم مشغول به‌کار شدم و مسئولیت راه‌سازی شرکت برعهده این‌جانب گذاشته شد. به مدت چهار سال در استان یزد به‌عنوان جنگل‌دار، امور مراتع، تثبیت شن و مالچ‌های نفتی کار کردم و دوباره به شمال کشور برگشتم. مدتی هم قائم‌مقام شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و مدیر طرح جنگل و طرح صنعت بودم. سپس به تهران منتقل شده و به معاونت دفتر مهندسی جنگل و مرتع منصوب شدم. بعد به‌مدت ده سال مدیرکل بودم و سه سال هم سرپرستی را برعهده داشتم. پست معاونت جنگل را نیز عهده‌دار بودم. سرپرستی دفتر مهندسی جنگل و مرتع را نیز در کارنامه دارم. ۲۹ فروردین ۱۳۷۷ به‌معاونت جنگل منصوب شدم. البته معاونت جنگل به دو قسمت شمال و خارج از شمال تقسیم شد که مورد قبول بنده نبود ولی به‌دلیل مشکلات و جوی که به‌وجود آمده بود، سازمان چنین تصمیمی را گرفت. بنده معاونت جنگل‌های شمال را تا اول آذر ۱۳۸۳ برعهده داشتم. همان‌طور که آقای مهندس فرمودند در بررسی هر کاری باید به تاریخچه آن برگردیم. وقتی به تاریخچه جنگلبانی ایران برمی‌گردیم می‌بینیم که تا حدود سال ۱۳۰۰، خیلی ضابطه‌مند و قانونی عمل نمی‌کردیم. سیاست‌گذاری درازمدت در امور وجود نداشت و حتی در اداره کشور هم چنین سیاستی به‌چشم نمی‌خورد؛ مخصوصاً در بخش‌های کشاورزی و منابع طبیعی. از سال ۱۳۰۰ به بعد عمدتاً از بخش اجرا شروع به‌کار شد، نه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و درازمدت؛ بلکه براساس سیاست‌گذاری‌های زمانی و مکانی

محدودیت را ایجاد نمی‌کردیم بدون شک امروز با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شدیم و با اعمال نفوذها و دخالت‌های ناصواب، جنگل وجه‌المصالحه این و آن قرار می‌گرفت. بعد از انقلاب نیز برخی از مجریان طرح‌های جنگل‌داری به‌علت اجرا نکردن تعهدات در امر حفاظت، خروج به‌موقع چوب از جنگل، خروج ضایعات جنگل‌کاری در عرصه‌های لخت و عملیات پرورشی پس از چند بار ابلاغ ضرب‌الاجل قانونی، به‌صورت موردی خلع ید می‌شدند. ۲- توسعه تعاونی‌های جنگل‌نشین. از سال ۱۳۷۱ تا ۷۲ تعداد ۱۶ شرکت تعاونی جنگل در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان تأسیس شد و بیش از ۱۲۰ هزار هکتار عرصه جنگل زیر پوشش شرکت تعاونی درآمد که در امر حفاظت، احیا و توسعه و بهره‌برداری بهینه از جنگل بسیار موفق بودند. در مطالعه صورت گرفته توسط دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران اعلام شد که تعاونی‌ها در امر حفاظت، احیا و

کوتاه‌مدت و نیازهای کشور و نوع حکومت و ضرورت‌هایی که وجود داشته از اجرا شروع کردیم. بنابراین عمدتاً به گرفتن بهره و عوارض و سپس حفاظت جنگل پرداختیم. بعدها آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها آمدند و تاحدودی پیش رفتیم. البته سال ۱۳۱۳ به‌علت کمبود زغال و چوب در تهران، فعالیت جنگلبانان را تعطیل کردند؛ چراکه جنگلبانان وقت هم اجازه قطع بی‌رویه و بدون مجوز را نمی‌دادند. وقتی مرحوم ساعی آمد، ایشان هم با توجه به شرایط آن‌زمان، از اجرا کار را شروع کرد و سپس به آموزش در زمینه جنگل پرداخت. بعد اداره امور جنگل را بنا نهاد. بنابراین این نقص در کشورمان وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد. هنوز سیاست درازمدتی در جنگل، منابع طبیعی و محیط‌زیست نداریم. سال ۱۳۲۷ که بنگاه جنگل‌ها تشکیل شد، از همان نام‌گذاری بنگاه وضعیت معلوم است. ولی خوشبختانه مرحوم ساعی و بعد مهندس بنان که مدت کوتاهی رئیس آن بودند، شروع به کارهای اجرایی، عملی و فنی کردند. بسیاری از کارهایی که در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور انجام شده نظیر احداث نهالستان‌ها و جنگل‌کاری در این زمان شروع شد. آغاز مدیریت جنگل هم از این زمان بوده است و قبل‌تر از آن توجهی نمی‌کردند. بنگاه جنگل‌ها شروع بسیار خوبی بود ولی در مدیریت آن تغییرات پی‌درپی و پشت سر هم اتفاق افتاد و عمدتاً نظامیان بر سر کار می‌آمدند تا اینکه سال ۱۳۳۸ بنگاه به سازمان جنگلبانی تبدیل و گارد جنگل برای حفاظت جنگل‌ها تشکیل شد. البته متوجه شدند که وجود گارد جنگل و داشتن تفنگ، مشکلاتی را ایجاد می‌کند. بنابراین گارد جنگل را منحل کردند و سال ۱۳۳۸ تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری در دستورکار قرار گرفت. یعنی از جنگلبانی به جنگل‌داری و مدیریت جنگل می‌رسیم. مدیریتی که براساس طرح و برنامه‌داری نظم زمانی، مکانی و اقتصادی است. البته طرح‌های اولیه نسبتاً ساده بودند و به‌مرور تکمیل شدند. تا سال ۱۳۲۸ کشور برنامه نداشت و حتی برنامه پنج‌ساله هم وجود نداشت. در این سال دو برنامه هفت‌ساله نوشته می‌شود: یکی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ و دیگری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۲. در این برنامه و از این مقطع سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد. یعنی جنگل‌داری خصوصی و دولتی همگی در قالب ملی شدن جنگل‌ها و مراتع (که ضمانت اجرایی‌اش قانون ملی شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱ است) تجمیم می‌شود. طبیعتاً چنین سیاست‌گذاری و برنامه‌های اجرایی، عملیاتی سریع می‌خواهد که بتواند منابع ملی و مستثنیات را تفکیک کند. این کار چهار تا پنج سال طول می‌کشد و مشکلاتی برای اجرایی شدن این قانون پیش می‌آید. این قانون، یک آیین‌نامه هم دارد. چون کار، کار بسیار سنگین و مشکلی بود. اگر نود و چند سال پس از اجرای قانون منابع طبیعی را بررسی کنیم خواهیم دید که قسمت عمده آن زیر نظر بخش کشاورزی بوده است. این معضل اجازه نمی‌داد مسائل و مشکلات در جایگاه خودش دیده شود. در سال ۱۳۴۶ وزارت منابع طبیعی تشکیل و به‌دنبال آن قانون حفاظت هم تصویب و تدوین شد. قانون حفاظت صرفاً جنگلبانی سابق نبوده و برای اداره امور منابع طبیعی دارای برنامه کاملی است. برخلاف شرع هم نیست. بنابراین حجم بالای کار و وسعت و گستردگی آن و اجرای این قانون، تشکیل چنین وزارتخانه‌ای را ضروری می‌کرد. می‌توان گفت بهترین دوران برای منابع طبیعی از هر جهت همان دوره چهار ساله است؛ ولی به

چند دلیل این وزارتخانه منحل شد که عبارتند از: ۱- یکی از وزارتخانه‌هایی که بیشترین درگیری را با وزارت کشاورزی داشت وزارت منابع طبیعی بود. دلیل‌اش هم این بود که در طول تاریخ، بخش کشاورزی عرصه‌های منابع طبیعی را به‌عنوان بانک زمین دیده بود و به هر صورتی که می‌خواست می‌توانست با آن برخورد کند. به همین دلیل هم عمدتاً رؤسای سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور از بیرون سازمان منصوب می‌شدند و می‌شوند. هم‌زمان با این قانون، قانون اصلاحات ارضی نیز تصویب شده بود. مشکلی که به‌وجود می‌آورد، قانون حفاظت بود.

وزارت منابع طبیعی براساس اسناد و مدارک و قانون، حدود اراضی را تعیین و ملی می‌کرد اما قانون اصلاحات ارضی براساس نسق زراعی برنامه‌ریزی شده بود؛ بنابراین تداخل و تضادی با یکدیگر داشتند. این یک مشکل اصلی و درگیری با وزارتخانه بود که هنوز هم ادامه دارد و خواهد داشت. چون به‌جای حل بنیادی مشکلات بخش کشاورزی و اجرای دقیق قانون، تمام مشکلات قانون اصلاحات ارضی را بر سازمان جنگل‌ها و مراتع تحمیل می‌کند. ۲- مشکل دیگری که پیش آمد مشکل ده هکتاری‌ها بود. این واگذاری ده هکتاری‌های شمال، نقطه ضعف بزرگی برای وزارت منابع طبیعی شد. البته این کار هم به دست کارشناسان ایرانی صورت نگرفت. در زمان بنگاه جنگل‌ها به‌دلیل تغییرات پی‌درپی رؤسای سازمان، این اتفاق رخ داد. کارشناسان خارجی فائو و دیگرانی آمدند و بنگاه را تقریباً متقاعد کردند که اراضی جلگه‌ای شمال را تبدیل کنید. نهایتاً در زمان وزارت منابع طبیعی کار تبدیل انجام شد. هرچند که هدف، خروج جنگل‌نشینان و دام از جنگل و تولید چوب بود ولی به‌علت اجرای بد، در عمل به یکی از کارهایی تبدیل شد که به وزارت منابع طبیعی لطمه زد. اگر شما فهرست ده هکتاری‌ها را نگاه کنید می‌بینید که به افراد خاصی داده شده بود. بعضی جاها اختلافات عمیق و ریشه‌ای ایجاد کرده بود. اساتید دانشگاه، مدیران وزارت منابع طبیعی، نظامیان، ملاکین و افراد ذی‌نفع دیگری بودند که این هشت تا نه هزار هکتار به‌نوعی به آنها داده شد. این کار لطمه زد. این اقدام به معضلی برای کشور تبدیل شد که هنوز هم اداره‌کل نوشهر درگیر این موضوع است.

عامل دیگری که مسئله‌ساز شد ویژگی‌ها و خصلت‌های خود وزیر بود. باوجود اینکه آدم متخصص، کارکشته و کاربلدی بود ولی ارتباطاتی که داشت و مسائلی که پیش آمد باعث انحلال وزارت منابع طبیعی شد. درمجموع در این دوره (بنگاه جنگل‌ها و وزارت منابع طبیعی) کارهای بسیار خوبی صورت گرفت. تمام جنگل‌کاری‌های اطراف تهران در این دو مقطع انجام شد. در پارک لاله درخت بلوط غرب کاشتند؛ یعنی مطابق با آن چیزی که



طبیعت ایران سازگار بود، رفتار کردند. در این موقع بود که جنگلبانی اختیارات و بودجه‌ای گرفت. در استان‌ها مستقل شد و کسانی به خارج اعزام شدند و دوره توسعه منابع طبیعی این دوره بود. ولی بعداً وزارت منابع طبیعی منحل شد و دیگر اسم آن را هم سازمان منابع طبیعی نگذاشتند بلکه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری شد و مأموریت مشخص و معینی هم به آن دادند. ساختار و تشکیلاتش همان بود اما یک درجه پایین‌تر. فقط رئیسش معاون وزیر کشاورزی شد. این دوره به‌نظر ما جنگلبان‌ها، دوره نسبتاً خوبی بود. بعد از چند سال



باعث دوام و قوام سازمان جنگل‌ها بود مباحث علمی و بدنه کارشناسی فنی، منسجم، حرفه‌ای و علاقه‌مند به حرفه جنگلبانی بود. از موفقیت‌های سازمان، طرح‌های جنگلداری است که بحث‌های علمی و فنی جنگل و تمام مسائل آن در قالب خود طرح دیده شده بود. شاید از درون‌زاترین طرح‌ها در کشور بود و از نادر طرح‌های بخش کشاورزی بود که در درون خود سرمایه‌گذاری هنگفتی صورت داد و تاحدودی بخش اعظم جنگل‌ها را حفظ کرد. ولی متأسفانه در سال‌های اخیر کم‌لطفی زیادی به طرح‌های جنگلداری و کارشناسان بخش جنگل می‌شود که بسیاری از آنها پایه و اساس درستی هم ندارد؛ چون هیچ‌گونه پایش و ارزیابی دقیق و واقعی صورت نگرفته است. به‌رحال هر کاری نسبی است و ما معتقد نیستیم که این طرح‌ها ایدئال بوده و فاقد اشکال است. ولی جنگل‌هایی که طرح دارند نسبت به بقیه جنگل‌ها که فاقد طرح هستند وضعیت بسیار بهتری دارند. لذا باید براساس پایش و ارزیابی تصمیم می‌گیریم. هرچند در خود طرح، ارزیابی و پایش وجود دارد. مثلاً دوره واگذاری طرح سی‌ساله بود و هر ده سال یک‌بار در طرح تجدیدنظر می‌شد. تصمیم و سیاست این بود که کل جنگل‌های شمال زیر پوشش طرح قرار گیرد و براساس سیاست‌های اجرایی آن روزها برنامه‌ریزی شده و اتفاقاتی که روی داده براساس سیاست‌گذاری بوده است؛ البته نه سیاست‌گذاری کلان بلکه سیاست‌گذاری اجرایی.

طبیعت ایران: آقای دکتر منتظری جناب‌عالی در چه

مقطعی در سازمان جنگل‌ها مسئولیت داشتید و برنامه‌های موفق و ناموفق دوره مدیریت خود را چه می‌دانید؟ چرا در گذشته در مورد عوامل تخریب جنگل از جمله حضور دام و برنامه خروج آن از جنگل، موفق عمل نشده است؟

دکتر منتظری: قبل از هر چیز از آقای دکتر جلیلی و همکارانشان به دلیل ترتیب دادن این جلسه تشکر می‌کنم. توفیقی شد تا آقایان مهندس فتوکیان و مهندس نصرتی را

زیارت کنیم. ابتدا مشخصات و سوابق کاری را خدمتتان عرض می‌کنم، سپس به پاسخ سؤال می‌پردازم. این‌جانب در سال ۱۳۴۲ در روستای استخرسر از توابع خرم‌آباد شهرستان تنکابن متولد شدم. تحصیلاتم را تا چهارم ابتدایی در همان روستا و مقاطع بعدی را در تهران گذراندم. ورودم به عرصه کاری از اوایل جنگ آغاز شد و تقریباً تا پایان جنگ در دو مقطع زمانی در جهاد تنکابن و جهاد چالوس انجام وظیفه کردم. سپس با انتقال سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به وزارت جهاد سازندگی در تاریخ ۷۰/۱۲/۱۵ به‌عنوان سرپرست اداری و مالی واحدهای سازمان در شمال کشور عهده‌دار مسئولیت شدم. به‌دلیل علاقه‌ام به حفاظت، حدود چهار سال به‌عنوان قائم‌مقام حفاظت و حمایت در شمال کشور انجام وظیفه کردم. سپس مدیرکل منابع طبیعی استان قزوین، مدیرکل دفتر فنی جنگلداری، معاون مناطق مرطوب و نیمه‌مرطوب، عضو شورای عالی جنگل، معاون امور جنگل و مرجع ملی جنگل بوده و اکنون هم در وزارت نفت مشغول خدمت هستم.

برای پاسخ به سؤال شما لازم است تاریخچه جنگل را کمی واکاوی کنیم تا ابعاد مختلف موضوع روشن شود. از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸ بهره‌برداری از جنگل مبتنی بر روشی بود که توسط آقای ژانتی، کارشناس سازمان ملل متحد در ایران به‌کار گرفته می‌شد. روش ژانتی در واقع روش ساده‌شده و تدریجی پناهی با سیستم دانگ واحد بود. ولی از سال ۱۳۳۸ اولین طرح جنگلداری در دارابکلای ساری به‌روش جنگلداری دانه‌زاد همسال و با شیوه جنگل‌شناسی پناهی توسط پروفیسور کلیزر آلمانی تهیه شد و به‌اجرا درآمد. استحضار دارید که در این روش جنگل به پنج قسمت تقسیم می‌شود و یک‌پنجم از بهترین قسمت جنگل به‌عنوان دانگ تجدید نسل و چهارپنجم بقیه به‌عنوان مناطق اصلاحی انتخاب می‌شوند. موجودی حجم در یک‌پنجم عرصه از قطر ۳۰ سانتیمتر به بالا در مدت ۲۰ تا ۲۵ سال با چرخش‌های پنج‌ساله با رعایت اصول جنگل‌شناسی و با هدف استقرار تجدید حیات، به‌طورکلی برداشت می‌شود.

برای انتخاب این روش در ایران دلایل مختلفی ذکر می‌کنند که تنها به دو دلیل اکتفا

در وزارت جهاد کشاورزی ادغام شدیم. ابتدا قول‌هایی دادند و صحبت‌هایی شد که متأسفانه عمل نکردند. موضوعی که باعث تخریب وسیع شده، مقطعی است که این اتفاقات افتاد. یعنی وقتی جنگل‌ها ملی شد و سیستم فتودالی و خان‌ها رفتند، رعایا و کسانی که با آنها کار می‌کردند خودشان به عامل تخریب جنگل تبدیل شدند! چند سال بعد از انقلاب هم برخی ادغام‌ها و جداسازی‌ها باعث تخریب عمده شد. ولی آن چیزی که

می‌کنم؛ بیشتر متخصصان جنگل از کشورهای اروپای غربی بودند که با روش جنگلداری دانش‌آموزان همسال آشنایی بیشتری داشتند. با توجه به وجود دام در جنگل امکان محصور کردن یک پنجم عرصه و جلوگیری از حضور دام در عرصه تجدید حیات مهیا بوده و امکان انجام عملیات اصلاحی در چهار پنجم عرصه به‌عنوان ذخیره برای دانگ‌های آینده تحت عنوان مناطق اصلاحی نیز میسر می‌شد.

موضوع مدیریت جنگل را نمی‌توان به‌صورت انتزاعی مورد بررسی قرار داد چون متغیرهایی وجود دارد که بعضاً تأثیرات مستقیم و تعیین‌کننده‌ای بر اداره جنگل خواهند گذاشت. لذا ضروری است تا به این مسائل به‌صورت یکجا پرداخته شود.

ما در حالی موضوع دام را به‌عنوان عامل تخریب مورد بررسی قرار می‌دهیم که لزوماً زراعت و دامداری در مناطق روستایی مکمل یکدیگر است. لذا در جریان قانون اصلاحات اراضی در سال ۱۳۳۹ و تقسیم اراضی بین زارعان و اثرات آن بر دامداری و در عین حال با ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱ هیچ تکلیف قانونی برای چرای دام وضع نشد. بعد از گذشت پنج سال در تبصره یک ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری در سال ۱۳۴۶ اخذ پروانه برای چرای دام مورد توجه قرار گرفت ولی عملاً در سال ۱۳۴۸ اولین پروانه چرا توسط سازمان برای دامداران صادر شد. اگر به سوابق مراجعه کنیم به دلیل نوع مالکیت خصوصی در مراتع و جنگل‌ها قبل از ملی شدن، عمدتاً دام‌های موجود در آن مناطق متعلق به خوانین بوده است که به لحاظ نفوذ در حاکمیت و قدرت اقتصادی و سیاسی آنها امکان هرگونه برخوردی به دلیل فقدان تعیین تکلیف قانونی دام به راحتی امکان‌پذیر نبود. لذا سازمان جنگل‌ها و مراتع در بدو امر تنها با استفاده از ظرفیت طرح‌های جنگلداری اقدام به خروج و ساماندهی دام از جنگل کرد.

این طرح به دلایل زیر بجز در دانگ تجدید نسل طرح‌های جنگلداری توفیق چندانی نداشت: ۱- نبود مواد قانونی در قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع برای تعیین تکلیف دام در مراتع و جنگل. ۲- نفوذ و قدرت اقتصادی و سیاسی

خوانین در دستگاه حاکمیت به‌ویژه در اولین مجلس بعد از انحلال. ۳- پراکندگی کار و گران تمام شدن عملیات در مناطق اصلاحی، رها شدن کار در قسمت اصلاحی، کاهش برداشت برای دوره ۲۵-۲۰ ساله بعدی و اضافه شدن دام و دامدار خارج شده از دانگ تجدید نسل به سایر دامداران، دام و جنگل‌نشینان در قسمت اصلاحی طرح.

طبیعت ایران: واقعیت این است که از برنامه سوم، مسئله خروج دام مطرح بوده و در این برنامه به‌عنوان عامل احیای جنگل‌های شمال کشور ذکر شده است. اکنون که در برنامه ششم توسعه هستیم و حدود ۱۷ سال از آن می‌گذرد هنوز هم دام در جنگل حضور دارد و حضور دام یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل و مانعی برای زادآوری طبیعی است. چرا با وجود اینکه خروج دام از جنگل در اولویت برنامه‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور بوده و شما در این مدت مسئول و مدیر جنگل بودید، در این مورد ناموفق بوده‌اید؟ در کشورهای دیگر این مشکل حل شده است. همان‌طور که

آقای مهندس فتوکیان هم اشاره

دکتر منتظری: وقتی این سؤال را مطرح می‌کنید لازم‌اش این است که دوستان طرح و برنامه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، اطلاعات جامعی از این موضوع می‌آوردند. موضوع دام همواره جزو دغدغه‌های سازمان بوده، به‌گونه‌ای که در برنامه‌های اول تا پنجم شاهد تکالیف مختلفی بودیم: در برنامه اول توسعه با عنوان «طرح تحول سیستم دامداری» موضوع مورد توجه قرار گرفت. هدف از این طرح ایجاد واحدهای نیمه‌صنعتی در خارج از جنگل از طریق مشارکت دولت و دامدار بود به طوری که سهم دولت شامل واگذاری



زمین، احداث تأسیسات دامداری، تأمین آب و برق و جاده و سهم دامدار تهیه ماشین‌آلات کشاورزی و خرید دام دورگ بود. در برنامه دوم توسعه، احداث تأسیسات حذف شد و به جای آن برنامه واحد ارزش‌گذاری پرداخت حقوق مابازاء جایگزین شد. اما به صورت موردی امکانات زیربنایی شامل آب و برق و جاده در اختیار دامداران قرار می‌گرفت. در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه نیز پرداخت حقوق مابازاء، واگذاری زمین و ایجاد اشتغال در طرح‌های جنگلداری مورد

کردند در جنگل‌های ترکیه دام حضور ندارد و به هر حال مشکل را حل کردند. ولی ما در مجموع با توجه به اینکه برنامه‌های مختلف داشتیم و داریم اما حتی در برنامه استراحت یا تنفس جنگل هم دام باز به‌عنوان عامل تخریب جنگل‌ها حضور دارد. بالاخره باید مشکل را به شکلی حل کرد. اینکه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به تنهایی نمی‌تواند و باید به سازمان کمک کرد، درست، ولی راهکار چیست؟ تا چه زمانی این مشکل باید وجود داشته باشد؟ لطفاً با صراحت پاسخ بدهید که بالاخره چه کار باید کرد؟



عمل
قرار
گرفت. در نهایت
براساس بررسی
عملکرد برنامه‌ها و نتایج
حاصله از آن تصویب‌نامه‌ای
در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۹ توسط
هیئت محترم وزیران با هدف
ایجاد شرایط لازم برای امکان
انتخاب (واگذاری اراضی صرفاً برای
دامداری، پرداخت مابازاء و بازنشسته
شدن) توسط دامداران وضع شد.

طبیعت ایران: برنامه شما درست بود؟ آیا
اینکه به دامدار پول و امکانات بدهیم، این
کار مشکلی نداشته است؟ آیا کشورهای
دیگر هم همین کار را کرده‌اند؟

دکتر منتظری: فرانسه، آلمان و بلژیک
هم این کار را انجام داده‌اند. ما الگویی که
گرفتیم بیشتر از فرانسه بود. دامداران در
جنگل گاو را رها می‌کردند تا برود و غروب
برگردد! (عملاً این گونه بود) یکی از دوستان
در آن موقع محاسبه‌ای کرده بود مبنی بر
اینکه میزان خسارتی که این دام می‌زد در
قبال گواشتی که تولید می‌کرد چقدر است؟
هنگامی که این‌ها را کنار هم می‌گذارید
می‌بینید که اصلاً قابل قیاس نیست. این
شیوه دامداری توجیهی ندارد و بی‌معنی
است. وقتی می‌گوییم خروج، مفهوم‌اش
این نبود که اینها دامداری نکنند. اگر همان
موقع وام هم می‌خواستند به آنها می‌دادند
تا دامداری نیمه‌صنعتی ایجاد کنند.
سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری
کشور، متولی دام نبود. یعنی باید
معاونت امور دام وزارت جهاد
کشاورزی این کار را انجام می‌داد.
دامداری باید بازده اقتصادی
داشته باشد و وقتی ندارد، آیا
هزینه‌اش را باید سازمان
جنگل‌ها، مراتع و
آبخیزداری
کشور

پرداخت کند؟ یا اینکه هزینه‌اش را باید
کشور پرداخت کند؟ باید این اتفاقات در
کنار هم بیفتد. ما معاونت امور دام در
وزارت جهاد کشاورزی داریم. البته بنده
نمی‌خواهم توجیه کنم. سازمان جنگلبانی
تمام راه‌هایی را که منتج به تبدیل دامداری
سنتی به نیمه‌صنعتی و نیمه‌صنعتی به صنعتی
بود، بنیان گذاشت. دلیل استقبال نکردن
دامداران، راحتی شرایط آنها بود و همکاری
نکردن سایر ارگان‌ها، ما را به اینجا رساند.
طبیعت ایران: شما از ارگان‌ها و سازمان‌های
مختلف که دخیل هستند نام می‌برید و اینکه
باید دستگاه‌های مختلف در این مورد هماهنگ
عمل کنند. شما می‌گویید متولی دام مجموعه
دیگری است. اما متولی جنگل که سازمان
جنگل‌ها است.

مهندس فتوکیان: جنگل را فقط دام خراب
نمی‌کند بلکه برخی موارد دیگر نیز تأثیر منفی
بر آن می‌گذارند که عبارتند از: تأمین چوب
به‌عنوان سوخت برای تهیه انواع مواد لبنی،
تأمین چوب برای ساخت آغل یا ترمیم آن، کت
زدن و خشکانیدن درختان جنگل برای تأمین
علوفه در عرصه‌های لخت و عاری از درخت،
سرشاخه زنی و استفاده از برگ درختان برای
خوراک دام و توسعه عرصه گاو‌سراها از طریق
کت زدن و قطع درختان جنگلی که بعضاً
مجوزهای قانونی هم دارند. بنابراین خسارات
وارده توسط دام و جنگل‌نشینان بیشتر از
برداشت سالانه طرح‌های جنگلداری است.

در سال ۱۳۷۴ طی مصاحبه‌ای در تلویزیون،
ضمن بحث‌های مختلف در زمینه حفظ، احیا،
توسعه و بهره‌برداری جنگل در قالب طرح‌های
جنگلداری (بخش دولتی، خصوصی و
تعاونی‌های جنگل‌نشین) که مصوب و قانونمند
است به برداشت مضاعف چوب از جنگل
متعرض شدم و گفتم چنانچه این وضعیت ادامه
یابد بدون شک در پنجاه سال آینده در شمال
کشور متأسفانه بخش وسیعی از جنگل‌های مان
را مخروبه کم‌بازده و آسیب‌پذیر خواهیم کرد.
بعد از مصاحبه، آقای دکتر فلاح، ریاست
محترم وقت سازمان درمجموع محتوای
مصاحبه را رضایت‌بخش تشخیص دادند

اما جناب آقای فروزش، وزیر محترم جهاد
کشاورزی به این مورد اعتراض کرده و به‌طور
کتابی برای شفاف‌سازی و رفع ابهامات در
برداشت مضاعف چوب از جنگل به آقای دکتر
فلاح اعلام کردند جلسه‌ای با شرکت اعضای
شورای عالی جنگل و مرتع و متخصصان
صاحب‌نظر در حضور ایشان تشکیل شود.
این جلسه تشکیل شد. آقای دکتر فلاح نظرات
مطروحه در مصاحبه را از نظر کمی و کیفی
پذیرفت و در مورد برداشت مضاعف از جنگل
گفتند که اشتباهی رخ داده است و اعضای
شورا و سایرین هم نظر ایشان را تأیید کردند.
فقط آقای دکتر جعفری، رئیس محترم وقت
مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور پس
از تشریح موضوع با دید واقع‌بینانه، برداشت
مضاعف چوب از جنگل را بعید ندانست و
به‌نحوی آن را تأیید کرد. در پایان جلسه مقرر
شد جلساتی در این مورد هر ماه در تهران و
همچنین به‌صورت موردی در جنگل تشکیل
و رفع ابهام شود که این امر تحقق نیافت.

مهندس نصرتی: پیرو فرمایشات آقای دکتر
منتظری، براساس تاریخچه گفته‌شده باید به
گذشته برگردیم و شرایط حاکمیتی و اقتصادی،
اجتماعی کشور را مدنظر قرار دهیم. همچنین
باید بدانیم که جنگلداری به این معنی نیست
که ما بتوانیم این علم را به‌طور کامل پیاده
کنیم. جنگلداری مجموعه‌ای از علوم جنگل
و علوم اجتماعی است. یعنی وقتی مردم در
جایی زندگی می‌کنند این مسئله به‌عنوان
علوم اجتماعی نیز باید در نظر گرفته شود.

طبیعت ایران: یعنی در برنامه‌های گذشته
دو مجموعه علوم جنگل و علوم اجتماعی
دیده نشده‌اند و مشکل از اینجا است؟

مهندس نصرتی: چند سالی که در بهداری
کار می‌کردم با اسب تمام محدوده‌های
جنگل‌نشینان را می‌رفتم. مخصوصاً در
محدوده ساری به تک‌خانوارها هم سر می‌زدم.
آن شیوه زندگی، یک شیوه بدوی غارنشین
است. این سیستم دامداری هم نوعی از آن
سبک است که باید تغییر می‌کرد. سیاست‌های
ما دوره‌ای و برنامه‌ها ۵ ساله است. این
برنامه‌ها برای منابع طبیعی و محیط‌زیست

کشور جواب نخواهد داد. چون سیاست‌گذاری اصلی وجود ندارد و این برنامه‌های ۵ ساله نیز اجرا نمی‌شوند. بنده سال ۱۳۷۷ که اولین سالی بود به چالوس رفته بودم تمام سال را با کارشناسان ادارات کل و ستاد، جلسه برگزار می‌کردم. در سال ۷۸ گروهی از کارشناسان خیره تشکیل دادم تا کل طرح‌های شمال را بررسی کنیم. به نتایجی رسیدیم که احتمالاً گزارش آن موجود است. در سال ۷۹ همایش ملی مدیریت جنگل‌های شمال و توسعه پایدار را در هتل رامسر برگزار

از محیط‌زیست، با ارائه تصاویر ماهواره‌ای گفتند که با خروج دام، به جنگل‌های این مناطق لطمه وارد می‌شود. استدلال‌شان هم این بود که وقتی دامی وجود ندارد علوفه بالا می‌آید و در نتیجه آتش‌سوزی می‌شود. برخی دلایل دیگر هم بیان می‌کردند مبنی بر اینکه وجود دام، مانعی برای جنگل ایجاد نمی‌کند. پس از تحمل جلسه دوساعته، در آن جلسه با همکاری یکی از دوستان به من اجازه حرف زدن دادند. من گفتم آقای نجفی در کف جنگل واقعی علوفه نیست

در طرح جامع مقدماتی ما اطلاعات دقیقی داشتیم ولی در آمار جنگل‌های شمال مشکل داریم. براساس برآورد آقای ساعی که ۸۰۰ کیلومتر در ۴۰ کیلومتر را معادل ۳,۲۰۰,۰۰۰ هکتار اعلام کرده‌اند، فرد دیگری برآوردی را معادل ۳,۴۰۰,۰۰۰ هکتار ارائه داده است. ولی



کردیم که مقالات آن در دو جلد چاپ شد و در اختیار علاقه‌مندان و کارشناسان قرار گرفت. در سال ۸۰ طرح هشت بندی صیانت در هیئت‌دولت تصویب شد و به دنبال آن برنامه جامع صیانت در سال ۸۲ معرفی شد. در طرح صیانت بهره‌برداری تنها در حد یک جمله بود. من آن زمان حق اظهارنظر و رأی دادن در کمیسیون زیربنایی دولت را نداشتم و در این زمینه جلسات بدی برگزار می‌شد. برای نمونه مهندس نجفی

و این جنگل تخریب شده که در کف آن علوفه سبز شده است! عامل آن هم دام و دامدار است. در مورد ابعاد نقشه و تصاویر هوایی هم که صحبت می‌کردند ایرادهایی در مقیاس نقشه گرفتم که با صحبت‌های ایشان نمی‌خواند. در نهایت در این جلسه با تلاش ما، بهره‌برداری در حد توان اکولوژیک جنگل به تصویب رسید. یعنی بهره‌برداری از رویش جنگل کمتر باشد و به این شکل طرح صیانت تصویب شد.

آمریکایی‌ها براساس عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و چند نوار تهیه شده در سال ۱۳۴۳ کتابی منتشر کرده‌اند که در سال ۱۳۴۶ تجدید چاپ شده و در دفتر مهندسی نیز وجود دارد. آنها در این



کتاب، مساحت را ۳,۲۰۰,۰۰۰ هکتار بیان کرده‌اند. از این مساحت، ۱,۷۰۰,۰۰۰ هکتار را جنگل معرفی کرده‌اند که ۱,۴۰۰,۰۰۰ هکتار آن جنگل تجارتي و بقیه حفاظتي است. در تعريفی که در ابتدای کتاب آمده بقیه این مساحت اراضي غير جنگلی است که ما در جلسات این اراضي را جنگلی معرفی می‌کردیم. در این کتاب مطالب مفیدی آورده شده است. برای نمونه اراضي غير جنگلی با پوشش ۰ تا ۱۰ درصد معرفی شده است. براساس این اطلاعات و عکس‌های هوایی نقشه‌های ۱/۵۰۰۰۰ تهیه شد و مساحت جنگل‌های شمال ۲,۰۵۰,۰۰۰ هکتار ارائه شد. آقای کلاتری در آن زمان نزد آقای هاشمی رفسنجانی رفته و اظهار داشتند که ۳,۴۰۰,۰۰۰ هکتار جنگل داریم و ایشان نپذیرفته بودند. من نیز حرف آقای هاشمی را براساس مستندات تأیید کردم. آن زمان مردم تنها در اراضي جنگلی کار می‌کردند. حتی دام در میان‌بند جنگل وجود نداشت و در بیلاق و قشلاق بود. با تغییر اراضي جلگه‌ای دام به سمت میان‌بند کشیده شد. با ورود دام به جنگل، فرم محدوده جنگلی تغییر کرد و به‌صورت دواير متحدالمركز

به هم وصل شد. طرح جامع مقدماتی که تهیه شد، آمار و اطلاعاتی دریافت کردیم که براساس آن سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کنیم. شاید اگر در آن زمان بودم این طرح را به این شکل شروع نمی‌کردم و به‌صورت دیگری انجام می‌دادم. وقتی سن دامدارها در حال زیاد شدن است، در آینده خود این موضوع از بین می‌رود و دامداری باقی نمی‌ماند. برنامه‌ای که برای این سیستم در آن وضعیت گنجانده شد، ساماندهی خروج دام نام داشت. در ابتدای شروع این طرح، ۴ هکتار زمین به دامدار داده می‌شد تا به تولید علوفه بپردازد. البته همه از این طرح استقبال نمی‌کردند اما در سال‌های آخر به دلیل امکانات و تسهیلاتی که اضافه شده بود، استقبال کردند. درست زمانی که برای اجرا، طرح به مرحله اوج خود رسیده بود، نمایندگان به مخالفت با این طرح پرداختند و به‌جای حمایت، مخالفت کردند. در واقع در

برنامه چهارم نه دولت به تعهدات خود عمل کرد و نه مجلس. در کشوری مثل کشور ما یا نباید طرحی را شروع کنیم یا اگر شروع کردیم نباید تعطیل شود؛ چون همه چیز را از بین می‌برد. یکی از دلایل موفق نشدن طرح، رها کردن آن بود.

دکتر منتظری: در مورد عکس‌برداری از جنگل‌های شمال که مهندس نصرتی اشاره کردند، توضیحاتی را عرض کنم. چهار مقطع زمانی از جنگل‌های شمال عکس‌برداری شده که



۵۰۰۰ پلات ثابت و ۵- سال ۱۳۸۶ توسط بخش خصوصی با ۵۱۵۶ پلات ثابت. ۵۱۵۶ پلات دارای نقاط UTM بوده که هیچ نشانه و آثاری در طبیعت وجود ندارد. در عین حال براساس برداشت‌های انجام شده امکان مقایسه برای تعیین حدود تغییرات کیفی جنگل را برای مقاطع مختلف فراهم می‌کند که این امر می‌تواند مبنای خوبی برای تعیین شیوه مدیریت و نوع اقدامات باشد.

طبیعت ایران: با این برنامه‌ها، اشکال کار کجاست و چرا تعداد زیادی از دامدارها به جنگل برگشتند؟

مهندس نصرتی: برای همین بود که گفتم یا نباید طرحی را شروع کرد یا اینکه تا پایان ادامه داد. از طرفی هر طرحی باید مبنایی داشته باشد که در طرح جامع همه این موارد وجود دارد. یکی از مواردی که افراد به آن ایراد می‌گرفتند این بود که طرح، قانونی نیست. در صورتی که هر سال در قانون، بودجه سالانه دیده می‌شد و برای آن بودجه در نظر می‌گرفتند. در بسیاری از مناطق سنتی تر که سواد کافی ندارند، به بخش دولتی نیز اعتماد نمی‌کنند و طرح پیش نمی‌رود. در

سازمان ما بحث‌ها تخصصی و علمی است و اکثر افراد متوجه نکات بسیاری می‌شوند. از سازمان که به وزارتخانه می‌رویم مسئله چیز دیگری می‌شود. مسئله اصلی این است که این طرح حمایت نشد و چون رها شد برگشت خورد. حتی ما در جنگل دانشکده منابع طبیعی نیز دام را خارج کردیم و سعی در راضی کردن افرادی که مدعی بودند داشتیم که دیگر حق و حقوقی ندارند. اما متأسفانه به علت ضعف وزارتخانه و مجلس و حمایت نشدن از طرف نمایندگان، این طرح به‌صورت نیمه‌کاره باقی ماند.

اشکال دیگر این است که متأسفانه در سازمان جنگل‌ها غیر از دو مقطع کوتاه، بقیه مدیران از خارج مجموعه بودند. یا توجه به اینکه زمانی نیز طول می‌کشد تا آنها بتوانند با افراد و ساختار آشنا شوند، ممکن است مواردی را مطرح کنند که سایر افراد نتوانند در تصمیمات آنها اثر مثبتی بگذارند.

حدود تغییرات کمی سطح جنگل‌ها با تاج پوشش ۱۰ درصد به بالا به شرح زیر است:

اولین دوره، ۱۳۳۴	۲۰۸۸۵۵۹
دومین دوره، ۱۳۴۶	۱۹۸۹۴۵۸
سومین دوره، ۱۳۷۳	۱۸۴۷۸۸۶
چهارمین دوره، ۱۳۸۶	۱۹۳۹۴۹۴

در همین ارتباط ارزیابی کیفی نیز در پنج مقطع زمانی بدین شرح انجام شد: ۱- سال ۱۳۳۷ توسط دکتر راجرز با ۷۵۳ پلات ثابت و ۸۰۰۰ پلات با استفاده از عکس ۲- سال ۱۳۵۳ توسط شرکت یاکویری با ۱۲۶۴ پلات غیر ثابت ۳- سال ۱۳۶۴ توسط دفتر فنی جنگل‌داری با ۱۵۰۰۰ پلات غیر ثابت ۴- سال ۱۳۷۶ توسط دفتر فنی جنگل‌داری با

طبیعت ایران: سؤال دیگری که بسیاری از افراد مطرح می‌کنند این است که چرا طرح‌های جنگل‌داری تنها نیمی از سطح جنگل‌ها را پوشش می‌دهند و ۹۰۰ هزار هکتار از این محدوده، فاقد طرح است. شما به‌عنوان مسئول، چرا برای کل محدوده جنگل‌های شمال طرح جنگل‌داری نداشته‌اید؟

مهندس نصرتی: ما بدون سیاست‌گذاری از اجرا شروع کردیم. در این مدل شروع کردن، شما روش‌های مختلفی را به کار می‌گیرید. زمانی که من در رأس کار بودم یک میلیون و چهارصد هزار هکتار طرح جنگل‌داری داشتیم که یک میلیون و پنجاه هزار هکتار از آن در دست اجرا بود. در بقیه عوامل خارجی، اجازه آگهی کردن برای اجرا به ما نمی‌دادند. دخالت‌های زیاد، امکان را از سیستم برای آگهی کردن می‌گرفت. در واقع به دنبال این بودیم که در سایر نقاط، با توجه به آینده، طرح‌ها حفاظتی‌تر باشد. هر ساله متناسب با شرایط و بودجه طرح تهیه می‌شد ولی برای اجرا مشکل داشتیم.

مسئله دیگر این بود که در موقع اجرای طرح، عوامل داخل جنگل هم کار خود را انجام می‌دادند؛ بنابراین میزان برداشت دولتی

را کاهش دادیم و از دو میلیون مترمکعب برداشت سالانه به هشتصد هزار متر مکعب رساندیم. حتی بخش خصوصی را برای اجرای طرح در بقیه قسمت‌ها به کار گرفتیم و برای حل مشکلات اجتماعی، تعاونی‌های جنگل‌نشین ایجاد شد. در جایی که مشکلات اجتماعی، اقتصادی با هم تلفیق شد باز هم ایراداتی وجود داشت. سیاست سازمان این است که برای همه موارد طرح تهیه شود. باید توجه کرد که اسناد و مدارک ما فنی بوده و باید نگهداری شود. برای همین است که اسناد به‌صورت دوره‌ای بررسی می‌شوند. برای نمونه خود بنده طرحی را دیدم (طرح کردکوی) که در آن ۶۰ درصد حفاظتی و ۴۰ درصد زیر پوشش بهره‌برداری بود و در طول ۴۰ سال یک میلیون متر مکعب چوب از آن برداشت شد.

مهندس فتوکیان: ضمن تأیید صحبت‌های مهندس نصرتی، باید اشاره کنم که بخشی از

جنگل‌های ما رانشی است و با دست بردن در آن جز تخریب بیشتر، کاری نکرده‌ایم. به‌همین دلیل مطالعات خاک‌شناسی و زمین‌شناسی و تجزیه و تحلیل آنها می‌تواند متذکر شود که به پیکره آن دست نزنیم.

دکتر منتظری: ما هم طرح‌های جدید تهیه می‌کردیم و هم اینکه طرح‌های قبلی را مورد تجدیدنظر قرار می‌دادیم تا به ده سال برسد. البته با این تذکر که برای تهیه طرح‌های جنگل‌داری، نیاز به اعتبار داشتیم و هر ساله فقط ۱۰۰ هزار هکتار اعتبار می‌دادند که برای ما عدد بزرگی نبود.

با توجه به اینکه در این میان جنگل‌های حفاظتی با شیب تند و در عین حال جنگل‌هایی با قابلیت تخریب بسیار بالا نیز وجود داشت،

برای برخی از این جنگل‌ها طرحی تهیه نشده بود. برای جنگلی با شیب بالای ۷۰ تا ۸۰ درصد، تهیه طرح مفهومی ندارد و تنها می‌توان از آن حفاظت کرد. این مرحله از ابتدا در دستور کار دوستان بود. برخی از جنگل‌ها در حاشیه روستاها بود که هم تحت تأثیر دام و هم برداشت چوب برای تهیه سوخت قرار داشت. تهیه طرح در این نقاط هم مشکلات خاص خود را به‌ویژه در ارتباط با مردم داشت. سومین مورد جنگل‌هایی بود که غیرتولیدی بودند مانند سیاه بیشه. موردی که مهندس فتوکیان به آن اشاره کردند بحث‌های اجتماعی بود که در قالب طرح‌های جنگل‌داری شکل گرفت. یعنی ما جنگل‌های احیایی را در قالب تعاونی‌های روستایی درآوردیم تا از ظرفیت این افراد هم استفاده کنیم. ضریب پایه این طرح‌ها صفر بود. چون طرح‌ها سودده نبوده و هزینه و درآمد آنها با هم برابری می‌کرد.

بعدها ضرایب این طرح‌ها اصلاح شد و به طرح‌های چندمنظوره تبدیل شدند. در عین تأمین منابع مالی روستاییان و رفع نیازهای آنان، بحث جنگل‌داری اجتماعی هم به‌شکل خاصی دنبال می‌شد. این شیوه در مناطق جلگه‌ای اثر خود را نشان داده و با اینکه نمود خوبی پیدا کرده بود در ده سال دوم وارد سیر اداری و مشکلاتی شد که آن را از مسیر خود خارج کرد. این شیوه طرح در تعاونی روستایی، طبقه جدیدی را به‌وجود آورده بود و حتی افراد زیادی دیگر حاضر به دامداری نبودند.



نصرتی: یکی از طرح‌های موفق گذشته، طرح صیانت بود که حساسیت خاصی روی آن دارم و معتقدم اگر اجرا می‌شد به نتیجه می‌رسید. در شمال کشور از گذشته تا به حال نزدیک به سیصد هزار هکتار، جنگل‌کاری داشته‌ایم. ما به دنبال مدیریت جنگل‌های دست‌کاشت بودیم. برای کم کردن فشار از روی جنگل، کمیته جنگل و صنعت فعال بود که هر ۳ تا ۶ ماه یک‌بار تشکیل می‌شد. با هم همکاری می‌کردیم که میزان برداشت را کم کنیم و در عوض اجازه عملیات پرورشی داده شود. در طرح زراعت چوب نیز فعالیت‌هایی برای مدیریت معیشت خانوارها صورت گرفت که در دوره برداشت ۵ ساله، هر ساله معیشت آنها به‌شکلی تأمین شود. بدین شکل زراعت چوب در گیلان، مازندران و گلستان به‌شدت در حال رشد بود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت درست است که سازمان



جنگل‌ها در برخی موارد به وظایف خود نپرداخته است که عمده آن هم به دلیل این بود که دیگران نیز وظایفشان را انجام نمی‌دادند و سازمان مجبور بود بار را به تنهایی به دوش بکشد. در هر حال پرونده جنگلبانی در ایران سیاه نیست و خدمات خوبی در این زمینه صورت گرفته است که نیاز به اصلاحات علمی تری دارد. جنگلبانی در طی این ۶۰ سال به بلوغی

جنگل‌ها طرفداران این طرح بود با آنچه که الان اجرا می‌شود تفاوت زیادی دارد. الان در کنار توقف بهره‌برداری از جنگل، طرح‌های جنگلداری هم متوقف شده‌اند در صورتی که قرار بود فقط بهره‌برداری متوقف شود. در واقع قرار بود مسئله دام، موضوع تخریب جنگل برای بهره‌برداری از معادن، توسعه جنگل‌کاری، احیای جنگل‌های تخریب یافته و سایر موارد مرتبط هم مورد توجه قرار گیرند که متأسفانه فعلاً مغفول مانده‌اند. به نظر شما سرنوشت این طرح در آینده چگونه خواهد شد؟

۲- برخی از واژه‌های جنگل به دلیل قرائت‌های مختلف برای اولین بار تعریف یا اصلاح شد.
۳- مقرر شد به منظور اجماع در موضوع جنگل، برنامه ملی جنگل برای مناطق رویشی مختلف با تأکید بر حفاظت و توسعه پایدار تهیه و به هیئت وزیران ارائه شود.
۴- به دلیل اهمیت تاریخی جنگل‌ها، مقرر شد در هر یک از مناطق رویشی پنج‌گانه یک منطقه به‌عنوان میراث طبیعی ملی و جهانی ثبت شود.



رسیده بود که متأسفانه با دو سال اجرای طرح تنفس، تقریباً این بلوغ از بین برده شد. این در حالی است که هنوز چهارچوبی برای جایگزینی این طرح‌ها و اینکه چه کاری می‌خواهیم انجام بدهیم وجود ندارد. این سیستم درون‌زا به‌طور کامل وابسته به بودجه دولت و نفت شد.

طبیعت ایران: طی جلسه‌ای که در مورد طرح استراحت جنگل داشتیم و در نشریه طبیعت ایران نیز به چاپ رسید براساس صحبت‌های مسئولان، متأسفانه آنچه از ابتدا مدنظر

دکتر منتظری: به نوعی می‌توان گفت مصوبه ۹۲/۱۰/۱۶ هیئت دولت با عنوان «برنامه بهینه‌سازی پایش، حفظ، بهره‌برداری و مدیریت جنگل‌های کشور» تکمیل‌کننده سایر مصوبات قبلی دولت بوده است. این مصوبه با همکاری اساتید مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، دانشکده‌های منابع طبیعی سراسر کشور و افراد صاحب‌نظر در داخل و خارج از سازمان تهیه شده که نکات برجسته آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:
۱- مصوبات قبلی تنها مربوط به جنگل‌های شمال بوده اما این مصوبه به کل جنگل‌های کشور تعمیم داده شد.

۵- تأکید شد که بهره‌برداری از جنگل‌های کشور براساس معیارها و شاخص‌های مدیریت پایدار جنگل انجام شود.
۶- مصوب شد تا اجرای طرح‌های جنگلداری شمال کشور با استفاده از درختان آسیب‌دیده و عملیات پرورشی به‌منظور استمرار مدیریت انجام شود.
۷- وزارت جهاد کشاورزی موظف شد منابع مورد نیاز برای اجرای این تصویب‌نامه را از محل بودجه عمومی ردیف‌های درآمد، هزینه و سایر منابع در اختیار تأمین کند.
مهندس نصرتی: بعد از طرح تنفس جنگل، به

همکاران سازمان گفتیم که با توجه به موارد به وجود آمده تغییراتی در روند طرح‌ها داده شود. حتی اگر لازم است برخی طرح‌ها اصلاح شود ولی این کارها صورت نگیرد و این مسئله با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهد شد.

مهندس فتوکیان: خداوند در قرآن می‌فرماید «آیا زمین را محل آرامش (شما) و کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار ندادیم؟» همچنین می‌فرماید «به کوه‌ها بنگرید که چگونه



در جای خود نصب شده‌اند.» یا اینکه «آسمان‌ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند و جایگاه شما آرام باشد و از هرگونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت» و... خداوند این آیات را عیب تذکر نداده است. ما حریصانه در طبیعت دخالت می‌کنیم. کوه‌ها را برای استخراج معادن می‌کاویم و جنگل‌ها را از بین می‌بریم. بعد می‌خواهیم بلا نازل نشود، زلزله نیاید، سیل ویرانگر هستی ما را نابود نکند و خشکسالی و کم‌آبی ما را تهدید نکند یا اینکه تالاب‌ها، رودخانه‌ها و دریاچه‌های ما خشک نشود.

برای داشتن برنامه صحیح، نیاز به آمار درست داریم. بد نیست در این گفت‌وگو به آمار زیر توجه شود: براساس مطالعات طرح جامع مقدماتی در ۱۰۳ حوزه آبخیز شمال کشور مساحت جنگل‌های شمال ۱,۹۰۰,۰۰۰ هکتار برآورده شده که جزئیات آن بدین شرح است:

۱- جنگل‌های با تخریب زیاد و موجودی کمتر از ۱۰۰ مترمکعب در هکتار به مساحت ۴۹۵۸۵۸ هکتار.

۲- جنگل‌هایی که تخریب در آن صورت گرفته و اکثراً از توده‌های جوان پوشیده شده‌اند با موجودی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مترمکعب و مساحت ۴۷۹۸۲۲ هکتار، معادل ۲۶ درصد سطح کل.

۳- جنگل‌های خوب و مرغوب با موجودی بیش از ۲۰۰ مترمکعب در هکتار به مساحت ۸۵۶۴۴۳ هکتار، معادل ۴۶/۷ درصد سطح کل.

۴- شش حوزه آبخیز به مساحت ۷۷۸۴۲ هکتار که آماربرداری نشده و باید جنگل‌کاری و احیا شود.

تعداد کل آبادی‌های حوزه آبخیز جنگل‌های شمال کشور، ۴۳۱۶ آبادی با سکنه دائم است که ۲۶۰۷ آبادی یعنی ۶۰ درصد زیر ۲۰ خانوار بوده و ۱۷۰۹ آبادی یعنی ۴۰ درصد بیش از ۲۰ خانوار سکنه دارند. علاوه بر این تعداد ۲۵۶ آبادی نیز با ساکنان موقت در منطقه وجود دارد. ساکنان آبادی‌های دائم، ۱۶۵۰۷۱ خانوار بوده و جمعیت کل آنها ۱۰۶۱۳۹۱ نفر است. از این جمعیت ۳۴۰۱ آبادی با ۷۸۳۹۰ خانوار و ۴۶۴۵۶۲ نفر جمعیت در داخل جنگل به صورت دائم اقامت دارند.

۵- در کل حوزه آبخیز جنگل‌های شمال، ۳۳۱۰۷ واحد دامداری با ۴۳۷۰۵۱۶ واحد دامی وجود دارد که ۳۴/۴ درصد آن دامدار متحرک و ۳۶/۲ درصد نیمه متحرک بوده و ۲۸/۴ درصد نیز دامداری ساکن است که در آبادی‌های حوزه آبخیز حضور دارند.

متوسط تراکم دام در جنگل‌های شمال کشور، ۲ واحد دامی و حداکثر ۸ واحد دامی در هکتار در حوزه شماره ۵۵، جنگل‌های شرق هراز است. با وجود چنین آمار و ارقام

سهمگین و رها

کردن جنگل بدون حفاظ و

برداشت‌هایی که از آن به انحای

مختلف صورت می‌گیرد، آیا در

۵۰ سال آینده جنگل خواهیم داشت یا

مرتع مشجر؟ با نظر آقای دکتر منتظری

موافقم که تا مسئله دام و جنگل‌نشین را در

جنگل‌های شمال حل نکنیم و دولت در مورد

کل منابع طبیعی عرصه کشور که حدود ۸۰

درصد سطح آن را تشکیل می‌دهد، خود را

مسئول مستقیم نداند حیات ما انسان‌ها در

معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت و سیل

مهاجرت کشور ما را تهدید خواهد کرد.

طبیعت ایران: شما به عنوان مسئولان جنگل،

جنگل‌های شمال را بیشتر مدنظر قرار

می‌دادید و جنگل‌های زاگرس همیشه در

حاشیه بوده است. آیا جنگل‌های زاگرس

اهمیت کمتری دارند؟ موضوعی که این

روزها مورد بحث است زراعت زیراشکوب

در جنگل‌های زاگرس است. نظر شما در این

مورد چیست؟

مهندس نصرتی: جنگل‌داری در ایران از

شمال شروع و به استان‌های دیگر تعمیم داده

شد. سال‌ها بعد در سایر نقاط ایران هم بحث

جنگل و جنگل‌داری مطرح شد. موضوع دوم

این است که شرایط منطقه زاگرس به گونه‌ای

نبود که طرح‌های جنگل‌داری شمال در آن

اجرا شود و طرح خاص خود را می‌خواست.

طرح‌های اولیه و مرتبط در این زمینه مدیریت

منابع جنگلی نام داشت. جنگل‌های زاگرس

برخلاف شمال، دارای حد و حدود و نقشه

نیست و براساس عکس‌های هوایی سطح

جنگل کم بوده و بیشتر با رنگ زرد زراعت

مشخص شده است. از طرفی چون منطقه

ایلی و عشایری است نمی‌توان به راحتی

در آن وارد شد مگر اینکه بر مبنای طرحی

که مبتنی بر مسائل اجتماعی منطقه باشد.

تنوع مسائل اقتصادی، اجتماعی، باعث

عقب‌افتادگی جنگل‌های زاگرس شد.

مهندس فتوکیان: در کشور ترکیه

به جنگل‌های مشابه



زاگرس، جنگل‌های انرژ می‌گویند و قوم‌ها و قبایلی وجود دارند که خود را صاحب جنگل می‌دانند. در ترکیه ۲۵ گونه بلوط وجود دارد در میان این بلوط‌ها برخی ۳ دوره جست‌دهی دارند. در آنجا طرح ۲۰ ساله شاخه‌زاد را به حشم‌دارها دادند. درواقع آنها با نظارت دولت ۲ پارسل را قطع می‌کنند. این روند شکل منظمی دارد که تا پایان ۲۰ سال ادامه می‌یافت، هم نیاز خود را تأمین می‌کردند و هم طرح‌ها اجرا می‌شد. متأسفانه برای اجرای طرح‌های این محدوده از کشورمان، بودجه‌ای در خور توجه داده نمی‌شود.

مهندس نصرتی: باید اشاره کنم که اولاً همانند عرصه‌های جنگل‌های شمال هرگونه دخالت در جنگل‌های غرب، مجاز است. دوماً حمایت از تولیدات زراعی مانند گندم باعث پیشرفت تخریب آن می‌شود. وقتی می‌گوییم ۴۵ درصد منابع آبی ما را زاگرس تأمین می‌کند و بسیاری از عرصه‌های کشاورزی را به دلیل تغییر کاربری‌ها از دست داده‌ایم همه این کاستی‌ها را با جایگزینی عرصه‌های منابع طبیعی جبران کرده‌ایم. همین مسئله باعث شده امکان برنامه‌ریزی برای آن وجود نداشته باشد.

دکتر منتظری: طبیعتاً کارکردهای اکولوژیکی جنگل در مناطق مختلف رویشی دارای اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی بوده و ملاک انتخاب نوع مدیریت بر آنها نیز براساس میزان توان اکولوژیکی است. موضوع حائز اهمیت، نگاه واحد به همه مناطق رویشی یعنی کاهش و حذف عوامل تخریب و حفظ کارکردهای آنها است. جنگل‌های زاگرس عمدتاً به دلیل فشار بیش از حد و خارج از ظرفیت اکولوژیکی، دچار پس‌روی شده و حتی در برخی از مناطق شاهد جابه‌جایی مناطق رویشی به‌ویژه در اکوتون‌ها هستیم.

اگر ما فقط به دو کارکرد برجسته جنگل‌های زاگرس یعنی حفظ ثبات و امنیت زیستی برای زاگرس‌نشینان به‌ویژه عشایر و بزرگ‌ترین منبع تولید و حفظ آب محسوب شدن برای برخی از سدهای

کشور از نگاه پدافند غیرعامل توجه کرده و ارزش آن را محاسبه و در حساب‌های ملی لحاظ کنیم دیگر اجازه نمی‌دهیم زیراشکوب جنگل کشت شود. بلکه همه توان کشور را برای حفظ، احیا و بازسازی زاگرس به‌کار خواهیم گرفت چون موضوع امنیت زیستی و آب جزو اولویت‌های کشور است.

مهندس نصرتی: وقتی برنامه‌ریزی در سطح ملی، محلی شود منابع از بین می‌رود و وقتی مستندات علمی نباشد نتیجه‌اش می‌شود زاگرس فعلی. بحث‌های حیاتی زاگرس مانند آب و حفاظت در اقتصاد این مملکت به حساب نمی‌آید و به‌جایی می‌رسیم که قانون زیر پا گذاشته می‌شود. در سال ۵۲ اصلاحیه ماده ۳۴ را تصویب کردند که هر کس اراضی ملی را تا سال ۴۸ آباد کرده به او سند بدهید و این مسئله به سرچشمه تخلفات و تجاوزات تبدیل شد چراکه هر کس نگرفته بود، ضرر می‌کرد. سال ۷۲ اصلاحیه ماده ۳۴ زنده شد که تا سال ۶۵ هر کس اراضی ملی را گرفت به او بدهید و هر سال تمدید شد. مردم دیدند ضرر کردند و هر کس در هر جایی دنبال زمین بود. بعد از اینها ماده دیگری برای تجاوزات بیشتر مطرح شد. الان دادگستری به‌تتاهایی شعبه‌ای دارد که کار آن فقط رسیدگی به زمین بوده و مبنای رسیدگی، گزارش رسمی کارشناسان دادگستری است. کارشناسان جنگل شناخت کاملی از موضوع دارند ولی عمدتاً کارشناسان از بخش کشاورزی هستند که نمی‌توانند تفکیک درستی داشته باشند. درواقع سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، براساس مستندات فنی، آثار و شواهد و مدارک موجود، منطقه‌ای را ملی اعلام می‌کند و در واقع دستورات و قوانینی که مبنای کارشناسی صحیحی ندارند تخریب در زاگرس را افزایش داده و می‌دهند.

دکتر منتظری: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور از نظر نیروی انسانی دارای ظرفیت بسیار بالایی است چراکه حدود دو هزار نفر استاد و افراد صاحب‌نظر در سراسر کشور در اختیار دارد. لذا شایسته

است هماهنگی‌ها به‌گونه‌ای انجام شود تا بخش اجرا و تحقیقات در کنار هم با تعیین اولویت‌ها به حل مشکلات منابع طبیعی کشور بپردازند.

مهندس نصرتی: آمار و ارقام ارائه‌شده باید به‌صورت دقیق بررسی شوند و دو سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور باید همخوانی بیشتری با هم داشته باشند.

مهندس فتوکیان: ما در آینده نزدیک حتماً در شمال کشور با کمبود آب مواجه خواهیم شد. توصیه من این است که مسئولان رده بالای دولت در فصل زمستان که جنگل‌ها کاملاً خزان کرده است هیئتی مرکب از وزیر جهاد کشاورزی، رئیس سازمان محیط‌زیست، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بازدید هوایی از جنگل‌های شمال کشور را برنامه‌ریزی کنند تا از هر نظر عمق فاجعه را بنگرند و تا دیر نشده با متخصصان و اساتید دانشگاه‌ها یک برنامه ۲۰ ساله را با اولویت‌بندی برای آمایش سرزمین به‌عنوان یک سند ملی برای این ثروت خدادادی تنظیم کرده و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسانند.

مهندس نصرتی: مشکل آمایش سرزمین این است که در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است و در اختیار دستگاه اجرایی نیست. درحالی‌که بهترین دستگاه اجرایی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که همه اطلاعات را در اختیار دارد.

طبیعت ایران: به امید روزی که پرچال‌های جنگل‌های باارزش کشورمان فائق آبییم و شاهد پایداری اکوسیستم‌های باارزش طبیعی کشور باشیم. از همه شما سروران گرامی که وقت گذاشتید و با اطلاعات دقیق در این گفت‌وگو شرکت کردید کمال تشکر را داریم و امیدواریم مسئولان هم با مدنظر قرار دادن تجارب شما عزیزان، بهترین راه را در مدیریت جنگل‌های کشور برگزینند.